

علی‌رغم پیگیری‌های رئیس‌جمهور و رئیس مجلس چرا حداقلی‌ترین اقدام برای ترمیم معیشت مردم انجام نشده است

معمای تعلیق کالابرگ



محمدباقر قالیباف روز دوشنبه در صحن علنی مجلس برای چندمین بار از تریبون صحن علنی مجلس بر اجرای فوری طرح کالابرگ الکترونیک تأکید کرد. اگرچه دولت از ابتدای سال جاری تاکنون طی چهار مرحله مبلغی را به‌عنوان کالابرگ در حساب سرپرستان خانوار شارژ کرده است، اما مجلس تأکید دارد که دولت باید رقم شارژشده را متناسب با تورم به‌روزرسانی کرده و هر ماه به حساب سرپرستان خانوار واریز کند. رهبر انقلاب نیز در دیدار با اعضای هیئت دولت تأکید داشتند که در باب معیشت مردم به‌گونه‌ای عمل شود که مردم بتوانند حدود ده قلم کالای اساسی را بدون دغدغه افزایش قیمت تهیه کنند، نه اینکه قیمت‌ها امروز و فردا دو برابر شود. ایشان کالابرگ را، با اشاره به گفته برخی مطلعان از مسائل اقتصادی، از راه‌های دسترسی بدون دغدغه مردم به ده قلم کالای اساسی خواندند.

علی‌رغم این مطالبات، همچنان در مورد میزان و زمان‌بندی واریز مبلغ کالابرگ الکترونیک، انضباطی از سوی دولت دیده نمی‌شود. اگرچه برخی ممکن است عدم اجرای منظم طرح کالابرگ الکترونیکی را به منابع مالی محدود دولت مرتبط بدانند، اما منابع این طرح از محل افزایش ده‌درصدی مالیات بر ارزش‌افزوده و نیز حذف یارانه سه دهک پردرآمد پیش‌بینی شده است؛ بنابراین، عدم پاسخ مناسب از جانب دولت، مسئله عدم انضباط را به موضوع مصرف منابع پیش‌بینی‌شده تعمیم می‌دهد.

در ادامه، ضمن تشریح این اختلال‌ها در مسیر اجرای منظم کالابرگ الکترونیک، برای بررسی چرایی آن و همچنین اقدامات در دستور کار مجلس برای موظف‌کردن دولت به اجرایی تعهد خود، با فضل‌الله رنجبر، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، به گفت‌وگو پرداخته‌ایم.

■ ■ ■

■ **مالیات بر ارزش‌افزوده به سبد کالابرگ واریز نشد**
اواسط شهریورماه بود که معاون اول رئیس‌جمهور از «تخصیص ۲۷ هزار میلیارد تومان» برای این موضوع خبر داد. مطابق تبصره ۱۳ قانون بودجه ۱۴۰۴، به‌عنوان تنها محلی که در آن به موضوع کالابرگ اشاره شده است، منابع مرتبط با این موضوع باید با از محل حذف سه دهک بالای یارانه‌گیران یا از محل منابع مرتبط با مالیات بر ارزش‌افزوده تأمین بشود. با این‌وجود، دولت مجدداً به جای اتکای صرف به این دو مسیر، از «اختیارات قانونی برای جابه‌جایی در بودجه عمومی، منابع سازمان همدفندسازی و اولویت‌بندی هزینه‌ها به دستور رئیس‌جمهور» استفاده کرده است. به‌صورت مشخص، این‌بار نیز منابع کالابرگ از دو محل پایدار مذکور در قانون بودجه ۱۴۰۴ یعنی محل حذف سه دهک بالا یا سهم مالیات بر ارزش‌افزوده تأمین نشده است. این موضوع، این پرسش را به‌وجود می‌آورد که دولت منابع حاصل از این دو محل را چگونه صرف کرده است. رئیس مجلس نیز در همین راستا

بارها این مطالبه را مطرح کرده است که دولت باید کالابرگ الکترونیک را متناسب با تورم پرداخت کند.

دعوی مجلس و دولت در مورد طرح کالابرگ بر سر چیست؟

سخنگوی کمیسیون اجتماعی در پاسخ به این پرسش که دولت چرا به مطالبه رئیس مجلس تن نمی‌دهد، تشریح کرد: «آقای قالیباف معتقد است که دولت در راستای اجرای برنامه باید متناسب با نرخ تورم و قیمت به‌روز کالاها و اجناس، کالابرگ الکترونیک را اختصاص بدهد. مبلغ ۳۰۰ هزار تومانی که اکنون به دهک‌های ۳ تا ۷۰۰ و همچنین ۵۰۰ هزار تومانی که به دهک‌های ۱ تا ۳ اختصاص پیدا کرده است، متناسب با فشار اقتصادی که به جامعه تحمیل شده، نیست. دولت باید وضعیت را به‌نحوی مدیریت کند که مردم بتوانند هر ماه به میزان ماه‌های قبل کالای اساسی مورد نیاز خود را خریداری نمایند. ۵۰۰ هزار تومان یا ۳۰۰ هزار تومان اختصاصی به این دهک‌ها، در مقایسه با نرخ امروز، مواد پروتیینی بسیار کمتری را به خود اختصاص می‌دهد. ایراد بر این است و لذا باید تجدیدنظری در روند اجرای طرح کالابرگ صورت بگیرد.»

این نکته‌ای که آقای قالیباف اشاره می‌کند، مبنی بر تناسب نرخ اقلام ضروری و مایحتاجی که برای ایسن خانواده‌ها در نظر گرفته‌ایم با تورم و پولی که اختصاص می‌دهیم، باید وجود داشته باشد؛ حرفی درست و منطقی هم است.



پرداخت ماهانه کالابرگ در قانون نیامده است

رنجبر در پاسخ به این پرسش که چرا موضوع پرداخت ماهانه به‌طور دقیق در لایحه بودجه تشریح نشده است و مجلس چه اقدامی برای تحقق این امر خواهد داشت، تشریح کرد: «موضوع پرداخت کالابرگ به‌صورت کلی در قانون مطرح شده، مبنی بر اینکه دولت باید این کار را برای این افراد انجام بدهد. این‌ها متناسب با تأمین اعتبارشان این کار را انجام می‌دهند که البته موضوع و چرایی عدم تخصیص منابع پیش‌بینی‌شده را باید سازمان برنامه جواب بدهد. سازمان برنامه باید با توجه به اینکه اکنون اقشار ضعیف در مضیقه و سختی هستند، برای دهک‌های یک تا سه به‌ویژه و همچنین دهک‌های سه تا هفت، کالابرگ را تأمین اعتبار کند.» سخنگوی کمیسیون اجتماعی ضمن اشاره به اینکه ارتقای مبلغ کالابرگ متناسب با تورم در قانون نیامده است، تشریح کرد: «اگرچه این موضوع در لایحه بودجه قید نشده است و این لایحه صرفاً به‌صورت کلی به موضوع پرداخت کالابرگ از محل اعتبار ۴۰۰ هزار میلیارد ریالی پرداخته است، اما با توجه به اینکه به‌هر حال ما با این بحران‌ها و مشکلات مواجه هستیم، باید اکنون تدبیر کنند و سسازمان برنامه باید کمک کند تا وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای آن تأمین اعتبار کند. البته من فکر می‌کنم دولت برای تأمین منابع هم به مقداری مشکل دارد که باید تدبیر شود.»

مجلس روی دور جلسه با دولت برای پیگیری کالابرگ

رنجبر در ادامه به این پرسش پرداخت که مجلس شورای اسلامی، به‌جز طرح موضوع در صحن علنی، چه برنامه‌ای برای موظف‌کردن دولت به تعهدات خود

غزه در انتظار صلح ترامپ در انتظار نوبل

روای نوبل؛ حسادت ترامپی

در واقع، در پشت‌پرده این طرح، جاه‌طلبی شخصی نهفته است: رؤیای دریافت جایزه نوبل صلح. ترامپ بارها گفته که «مسئوار این جایزه» است، چون هشت مناقشه را به پایان رسانده است. او کلایه کرده بود: «اگر اسم من اوباما بود، جایزه را در کمتر از ده ثانیه به من می‌دادند.» از همان زمان، چرخ‌های تبلیغاتی در واشنگتن به‌کار افتادند. استیو وینکاف، فرستاده ویژه ترامپ، در ارواباری نامزدی اولایی کرد. مارکو روبیو، وزیر خارجه، با تمام توان از دیپلماسی آمریکا بهره گرفت تا حمایت بین‌المللی جذب‌کند. حتی تماس‌هایی میان ترامپ و مقامات نروژی (محل استقرار کمیته نوبل) گزارش شد.

با اینکه طبق قوانین، نامزدهای جایزه نوبل نباید علنی شوند، رسانه‌ها فهرستی از رهبران کشورهای منتشر کردند که نامزدی ترامپ را پیشنهادده‌اند؛ از اله‌عالم‌الف گرفته تا نیکول پاشینیان. مدیرعامل شرکت فایزر هم او را به‌خاطر مدیریت واکسن کرونا «شایسته نوبل» خواند. اما در میانه این هیاهوی تبلیغاتی، یک واقعیت تلخ نباید فراموش شود: غزه هنوز زیر آوار است. بیش از ۶۷ هزار نفر جان باخته‌اند که بیشترشان زنان و کودکان هستند و همان کشورهایی که از صلح و نوبلش دم می‌زنند، همچنان فروشنده اصلی سلاح به اسرائیل هستند. صلحی که در فرهنگ غرب فقط بوی باروت دارد.

نوبل صلح یا سکوت؟!

غزه امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند صلح است؛ اما صلحی عادلانه، متوازن و بر پایه کرامت انسانی؛ نه صلحی که در لباس آتش‌بس، اشغال را جاودانه می‌کند. مردم غزه، پس از سال‌ها خون و ویرانی، سزاوار نفسی تازه‌اند.

طرح ترامپ، در حقیقت، نه برای بازسازی غزه، بلکه برای بازسازی چهره خود او نوشته‌شده است؛ برای آنکه در تاریخ، نه به‌عنوان سیاستمداری پرحاشیه، بلکه به‌عنوان برنده جایزه صلح نوبل ثبت شود. اما صلحی که بر خون و رنج بنا شود، چیزی جز معاملهای ناعادلانه نیست.

در نهایت، باید گفت صلحی که یک‌طرفه نوشته شود، همان ادامه جنگ است با زبانی مؤدب‌تر و اگر جایزه نوبل قرار است به بهای خاموشی یک ملت به دست آید، شاید وقت آن رسیده که نامش را از «نوبل صلح» به «نوبل سکوت» تغییر دهد.

زهرا مهران‌راد
کاشناس بین‌الملل

طرح ۲۱ ماده‌ای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در ظاهر با واژه‌هایی زیبا چون بازسازی، کمک‌های انسانی و تشکیل دولت موقت فلسطینی تزیین شده است؛ نسخه‌ای که ظاهر آب‌و‌بوی صلح می‌دهد، اما در باطن، بوی سیاست می‌گیرد. اگر کمی زیر پوست این متن را بخواهیم، درمی‌یابیم که هدف اصلی، نه پایان رنج مردم غزه، بلکه خلع سلاح مقاومت و تبدیل این سرزمین از نماد ایستادگی به منطقه‌ای مطیع و کنترل‌شده است. در بندهای کلیدی طرح، خلع کامل سلاح گروه‌های مقاومت و استقرار نیروی بین‌المللی موسوم به «تثبیت صلح» پیش‌بینی شده است. تشریح‌های تلخ عراق و افغانستان به‌خوبی نشان داده‌اند که چنین نیروهایی بیشتر از آن که حافظ صلح باشند، ناظر منافع غرب هستند؛ ما‌مورانی با پرچم سفید و اهدافی سیاه. همین نکته کافی است تا در یابیم مقصود اصلی این طرح، نه امنیت مردم غزه، بلکه تثبیت امنیت اسرائیل است.

■ ■ ■

زبان صلح؛ چاشنی تهدید

ترامپ در ظاهر از «صلح» سخن می‌گوید، اما زبان تهدید را هم چاشنی کارش کرده است. او هشدار داده بود: «اگر این توافق آخرین فرصت صلح نباشد، جهنمی علیه حماس به پا خواهد شد که هیچ‌کس مانند آن را ندیده است.» چنین عبارتی بیش از آنکه نشانه صلح باشد، بوی اعلام جنگ می‌دهد.

در همان روزها، نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، بی‌پرده گفت: «ارتش اسرائیل در غزه باقی می‌ماند.» جمله‌ای که خود گواه است بر آنکه هدف طرح، پایان اشغال نیست؛ بلکه مزوی کردن حماس و مهار هر صدای مقاومت است. اگر جنگ نتوانست حماس را در هم بشکند، حالا نوبت صلح تحمیلی است که کار ناتمام را تمام کند. اما حماس با هوشمندی، پایان جنگ را پذیرفت، نه خلع سلاح را. در بیانیه‌ای تأکید کرد که آتش‌بس واقعی فقط وقتی معنا دارد که نیروهای اسرائیلی عقب‌نشینی کنند، محاصره پایان یابد و اداره غزه به نهادی فلسطینی سپرده شود.

ترامپ اما همان بیانیه را دستاویزی برای نمایش نقش «میانجی صلح» کرد. جمله‌اش که گفت: «من معتقدم آن‌ها برای صلح پایدار آماده‌اند.» بیشتر از واقعیت، بوی تبلیغ می‌داد؛ تبلیغی برای کارنامه سیاسی و شاید جایزه‌ای که مدت‌هاست در پی آن است.

کنترل و تولید انرژی جهان و گسترش مفهوم قدرت دینی در جهان اسلام، در اولویت اول برای برخورد و مهار قرار گرفت و از طرفی هزینه جنگ‌های خاورمیانه با حذف ایران و دسترسی به منابع انرژی به‌راحتی جبران و آمریکا را در قله اقتصادی جهان حفظ خواهد کرد.

عملیات مهار و تضعیف ایران، با ترور فرمانده سپاه قدس حاج قاسم سلیمانی آغاز شد؛ اما حمله ایران به عین‌الاسد فضا را متفاوت کرد. در ادامه، واکنش غیرقابل‌پیش‌بینی روسیه در مقابل توسعه‌ناظر در اوکراین، نقشه آمریکا را به هم ریخت و آن‌ها مجبور به عملیات فوری در حمایت از اوکراین و هزینه‌های بیشتر نظامی در اروپا شدند.

با تثبیت جنگ اوکراین و تضعیف شدت درگیری‌ها، طرح صلح ابراهیم با هدف حذف فلسطین در غرب آسیا و مرگ محور مقاومت، در دستور کار قرار گرفت؛ اما هفت اکتبر، نقشه دشمن را به آتش کشید و دشمن را به چالش زاهدی روی و هویتی رویه‌رو کرد؛ چرا که قرار بود با پیمان ابراهیم، ناتوی صهیونیستی با شراکت برخی از حکام وابسته منطقه علیه محور مقاومت اقدام کند.

هفت اکتبر و عملیات تاریخی مقاومت فلسطین، هزینه‌ای سنگین و غیرقابل‌جبران به دشمن تحمیل کرد با این‌حال نقشه اصلی (فروپاشی ایران) از دستور کار خارج نشد و به دلیل از بین رفتن اقتدار پوشالی رژیم صهیونیستی با وحشی‌گری بی‌مانندی به اجرا درآمد؛ اما نتیجه آن بی‌اعتباری و انزوای بیشتر باند تبهکار صهیونی در جهان شد. به‌گونه‌ای که رهبران مر جتج عربی منطقه به دلیل فشار افکار عمومی ملت‌های مسلمان قادر به اجرای صلح ابراهیم نشدند.

عدم فروپاشی نظم بین‌المللی آمریکایی در جهان، وابسته به بزرگ‌شدن رژیم صهیونیستی و فروپاشی سرزمینی ایران (تجزیه) است و این مهم از منظر آمریکایی‌ها، یک جنگ موجودیتی و بی‌بازگشت است. جنگ با هدف نجات امپراتوری آمریکا و فروپاشی ایران طراحی شده بود؛ اما مقاومت فلسطین در هفتم اکتبر این طراحی را نابود کرد.

اتحاد کشورهای غیرعربی در این جنگ موجودیتی در منطقه غرب آسیا، اهمیتی راهبردی را تعیین سر نوشت حداقل یک‌صدساله برای طرف‌ها دارد. مقاومت، شش‌ر پیروزی این نبرد تاریخ‌ساز است و دل دل این جنگ، ایرانی جدید متولد خواهد شد.

هفت اکتبر نقشه آمریکا را به آتش کشید

ابوالفضل چمندی
فعال سیاسی

چه نقشه پنهانی در ورای نسل‌کشی بی‌سابقه صهیونیست‌ها در غزه وجود دارد که آمریکایی‌ها هزینه بی‌اعتباری و انزوای جهانی آن را به جان خریدند؟ و چه‌رایی به‌مراتب شنیع‌تر و منفورتر از داعش و هیتلر را به نمایش گذاشته‌اند؟ در راهبردها و اسناد امنیت ملی آمریکا، چین (اقتصادی)، روسیه (نظامی) و ایران (سیاسی-نظامی) به‌عنوان سه تهدید اصلی و فوری معرفی شده‌اند. آمریکا همواره از دو ابزار «دلا» و «جنگ» برای حفظ هژمونی و امپراتوری جهانی خود استفاده کرده و همواره جنگ‌ها را برای منابع و منافع جدید اقتصادی از انرژی گرفته تا معادن و کنترل قدرت کشورها (علمی، اقتصادی و نظامی) در اقصی نقاط جهان شعله‌ور کرده و با بخشی از منافع به‌دست‌آمده نیروی نظامی ایالات متحده تیرت شده است و این چرخه به‌هم‌پیوسته برای آمریکا تولید قدرت کرده است.

اکنون اوضاع کاملاً متفاوت شده، در ۲۲۰ سال گذشته ایالات متحده ۱۲ تریلیون دلار بدهی به بار آورده و عمدتاً با چاپ پول و بعدها با فروش اوراق‌قرضه به کشورهای دیگر نظیر چین، ژاپن، آلمان و... این بدهی‌ها جبران می‌شد؛ اما از سال ۲۰۲۰ تنها ۴ سال طول کشیده تا ۱۲ تریلیون دلار دیگر به این بدهی اضافه شود. به دلیل تضعیف دلار کشورهای دیگر طلا را جایگزین اوراق‌قرضه آمریکا کرده‌اند به‌گونه‌ای که قیمت جهانی طلا در چند سال اخیر، به‌شدت افزایش یافته است.

تحریم‌ها و هزینه‌های سرسام‌آور دولت آمریکا برای توسعه نفوذ این کشور در اقصی نقاط جهان (فقط ۷ هزار میلیارد دلار در منطقه غرب آسیا هزینه جنگ‌های آمریکا بوده است) و دفاع از شرکا و کنترل رقبا و جهش اقتصاد چین، ابزار «دلا» را با خطر «مرگ» مواجه کرده به‌گونه‌ای که از آن با عنوان «تهدید موجودیتی» نام می‌برند.

بزرگ‌ترین و دردسترس‌ترین منابع انرژی جهان، در غرب آسیاست اگر قدرت منطقه‌ای ایران در اینجا از بین برود و رژیم صهیونیستی ژاندارم منطقه شود، آمریکا نیازی به سیاست توازن با اعراب ندارد و با تحمیل از طریق «قدرت» به کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌راحتی منابع انرژی را کنترل و اقتصاد چین را محدود و سپس ساقط خواهد کرد. ایران به دلیل تأثیرگذاری جهانی بر

مجری انحصاری تبلیغات
دانشگاه آزاد اسلامی

انئون تبلیغاتی
سیهر
حوان

۰۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹